

افغانستان
از روند انتقال تا مرحله تحول (بخش دوم)



۱۱ سرطان ۱۳۹۲
نشست کارمندان عالی رتبه

فهرست



- واقعیت‌های انکشافی افغانستان
- ابعاد اقتصادی روند انتقال : رشد اقتصادی و پایداری مالی
- وضعیت اقتصادی ۱۸ ماه بعد از آغاز انتقال
- تأیید سیاست رشد اقتصادی افغانستان
- موضوعات حیاتی دیگر: آب، زمین، حکومتمداری
- پیامهای کلیدی

افغانستان مسیر طویل را پیموده است

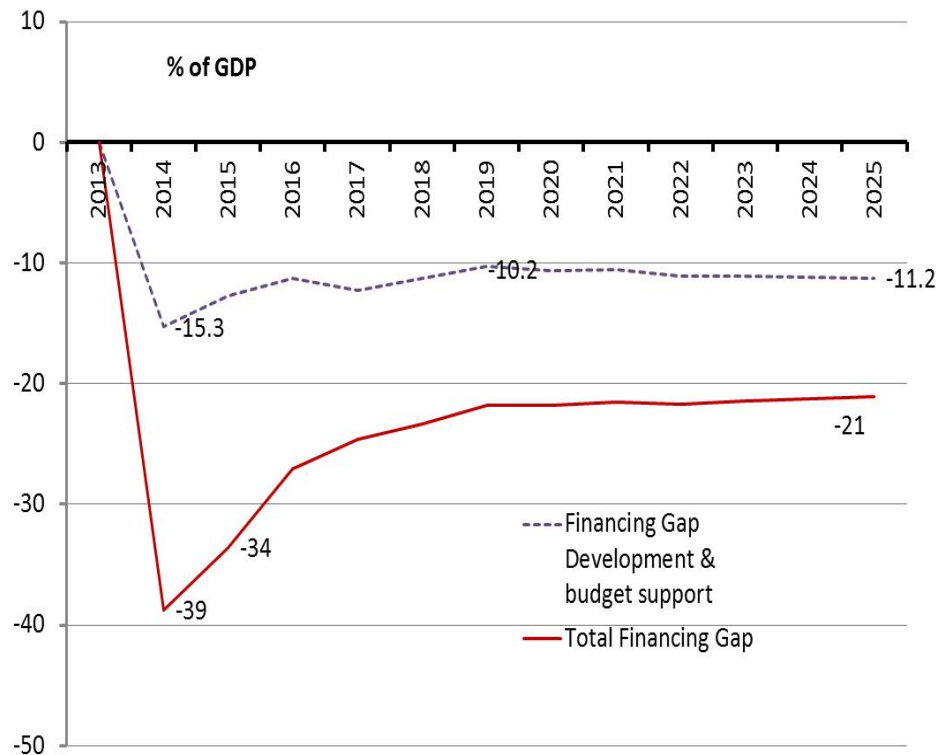
- پیشرفت‌ها در چندین شاخص انکشاف بشری نهایت ملموس بوده است
 - میزان دسترسی به منابع بهتر آب از ۲۲ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۵۰ درصد در ۲۰۱۱ افزایش نمود
 - میزان شمولیت در تدریسات ابتدایی از ۱۹ درصد به ۹۷ درصد در عین فاصله زمانی افزایش نمود
 - میزان مرگ و میر مادران بین سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۱۱ به نصف کاهش یافت
 - امید زندگی از ۴۵ سال در سال ۲۰۰۰ به ۴۸٫۷ سال در ۲۰۱۱ افزایش نمود
- اما میزان فقر هنوز هم بالاست. براساس ارقام سال ۲۰۰۸، حدود ۳۶ درصد مردم زیر خط فقر زندگی میکردند، و گمان میرود که این رقم هنوز هم در عین سطح باقی مانده باشد.
- تعداد افراد با سواد هنوز هم خیلی اندک است. صرف ۲۶ درصد افغانها خواندن و نوشتن را میدادند.



ابعاد اقتصادی روند انتقال (۲۰۱۲): چالشهای رشد اقتصادی و پایداری مالی

- ارزیابی بانک جهانی در سال ۲۰۱۲ در مورد تأثیر احتمالی کاهش کمکهای خارجی بر رشد اقتصادی نشان میدهد که: تا زمانیکه وضعیت امنیتی رو به بهبود باشد، رشد اقتصادی افغانستان هنوز هم سالانه بین ۴ تا ۶ درصد در جریان سالهای ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۸ خواهد بود، با آنکه کمکهای خارجی ۵۰ درصد در مقایسه با میزان سال ۲۰۱۰ کاهش می یابد.

کمبود تخمینی تمویل مالی: ۲۰۱۳ - ۲۰۲۵

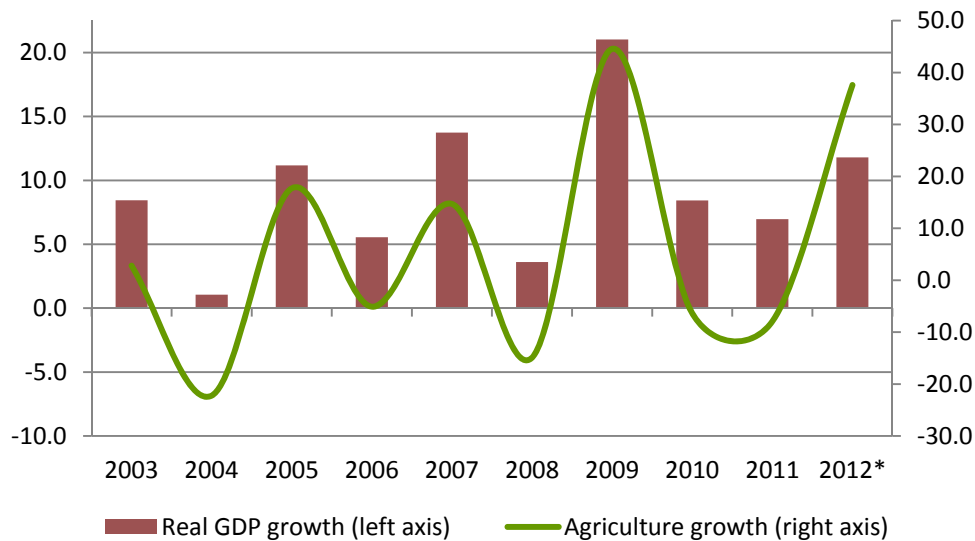


- بلند رفتن مصارف امنیتی، معاشات و مصارف حفظ و مراقبت - نیازمندی افغانستان را برای تمویل مالی افزایش میدهد. این امر باعث میشود که افغانستان هرچه بیشتر به کمکهای خارجی و بسیج عواید دولتی نیازمند باشد.
- سوق دادن قسمت بیشتر کمکهای خارجی به بودجه دولت میتواند از تأثیرات ناگوار روند انتقال بکاهد، اما در عین حال ایجاب می نماید تا ظرفیت دولت برای جذب کمکهای هرچه بیشتر و عرضه خدمات عامه بلند برده شود.
- اولویت بندی سرمایه گذاری های دولتی بخصوص در زیربناها و سکتور معادن نهایت ضروریست، زیرا سرمایه گذاری ها در این دو سکتور از نقطه نظر ستراتیژیک مکمل یکدیگر میباشند.

۱۸ ماه بعد از آغاز انتقال: رشد اقتصادی چنانکه توقع میرفت بطنی میگردد

- **رشد حقیقی تولید ناخالص داخلی** از ۷,۳ درصد در سال ۱۳۹۰ به میزان تخمینی ۱۱,۸ درصد در سال ۱۳۹۱ افزایش یافته است که عمده ترین دلیل آن افزایش چشمگیر در تولیدات زراعتی میباشد. اما رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۲ بدلیل نوسان اقتصادی و افزایش ابهام و تردید نسبت به آینده ممکن است کاهش یابد.
- **تولید مواد مخدر در سال ۲۰۱۲ به ۳,۳ فیصد تولید ناخالص داخلی ویا ۷۰۰ میلیون دالر** کاهش یافت اما توقع می رود که تولید مواد مخدر در سال جاری در اکثریت ولایات افزایش یابد.
- **کاهش در سرمایه گذاری خصوصی:** براساس ارقام موجود، تعداد شرکتهای جدید التأسيس در سال ۲۰۱۲ بخصوص در سکتور ساختمانی حدود ۸ درصد کاهش یافته است.

رشد حقیقی تولید ناخالص داخلی و تولیدات زراعتی (براساس فیصدی)

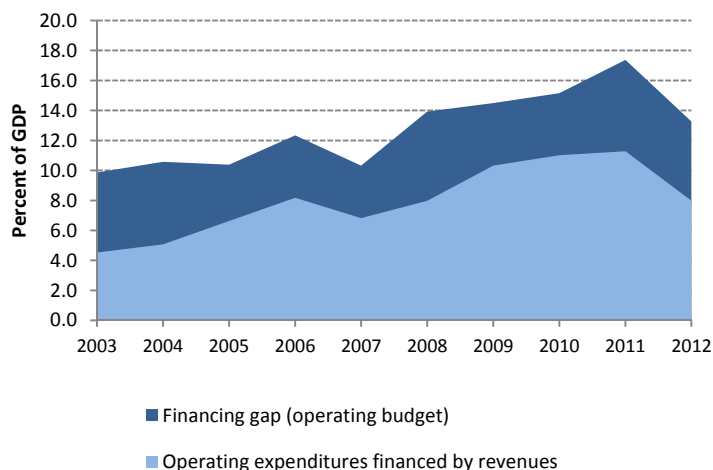


* ارقام سال ۲۰۱۲ تخمینی میباشد.

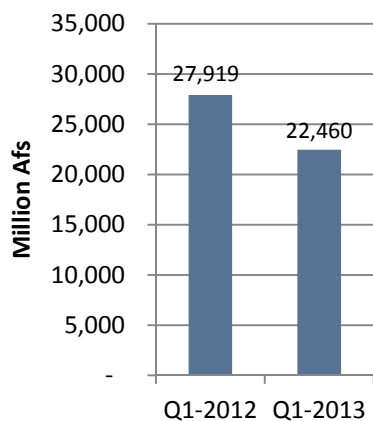
- **تورم پولی** از ۱۰,۲ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۶,۴ فیصد در سال ۱۳۹۱ به دلیل کاهش قیمت های مواد خوراکه و غیرخوراکه **کاهش یافته است.**
- **صادرات** در سال ۲۰۱۲ تقریباً ۵ درصد **کاهش** یافته است، در حالی که واردات بطور دوامدار افزایش نموده است. بنابراین کسر تجاری به ۴۳ درصد تولید ناخالص داخلی ازدیاد یافت.
- **ذخایر اسعار خارجی** به بلندترین سطح (۷,۱ میلیارد دالر) در ماه قوس ۱۳۹۱ رسید اما پس از آن در ماه جوزای ۱۳۹۲ به ۶,۵ میلیارد دالر نزول نموده است.

... و موقف مالی در حال تضعیف شدن است.

میزان پایداری مالی



درآمد داخلی دولت در ربع اول دو سال اخیر



- مصارف دولت در سال گذشته ۴۵ درصد افزایش (در مقایسه با نه ماه اول سال ۱۳۹۰) داشته است. مصارف امنیتی تقریباً ۶۰ درصد بودجه عادی را تشکیل میداد. حدود ۶۵ درصد بودجه دولت توسط کمکهای خارجی تمویل گردید.

- درآمد داخلی دولت ۱۳,۱ درصد در سال ۱۳۹۱ افزایش یافت اما از اهداف تعیین شده بدلیل سطح پایین عواید گمرکات کمتر بوده است. در نتیجه، میزان پایداری مالی از ۶۵ فیصد در سال ۱۳۹۰ به ۶۰ فیصد در سال ۱۳۹۱ پائین آمده است.

- اجرای بودجه در عین سطح (یعنی ۵۰ درصد تخصیصات) باقی مانده است، اما بشکل حقیقی ظرفیت دولت بلند رفته است (زیرا مصارف دولت نیز بلند بوده است).

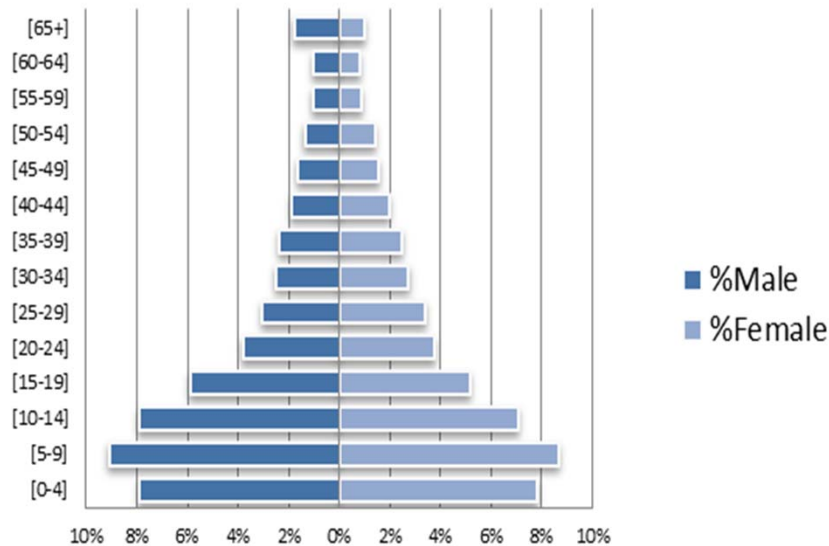
- درآمد دولت در ربع اول سال مالی ۱۳۹۲ به مقدار ۱۹,۶ درصد نزول نموده است. اقدامات لازم رویدست گرفته شد تا جمع اوری عواید بالا برود. در نتیجه، کاهش در عواید به ۳,۹- درصد در ماه حمل و ثور، در مقایسه با عین دو ماه سال گذشته، کاسته شد.

- لازم است تا در ۱۸ ماه باقیمانده به پایان روند انتقال، تلاشها جهت بهبود پروسه جمع اوری عواید سرعت بخشیده شود.

از مرحله انتقال بطرف دهه تحول: واقعیت ها

- در دهه آینده، افغانستان به یک سلسله چالشهای اقتصادی و انکشافی روبرو مییاشد:
- توقع میرود که رشد اقتصادی سالانه به میزان اوسط ۴٫۸ درصد در پنج سال آینده بطی گردد.
- کاهش کمکهای خارجی نیازمندی افغانستان را برای بدست آوردن اسعار خارجی جهت تمویل واردات کشور بالا می برد.
- میزان فقر هنوز هم در سطح ۳۶ درصد تخمین میگردد.
- فشار روز افزون بازار کار: تخمیناً ۴۰۰ الی ۵۰۰ هزار جوان سالانه به نیروی کار می پیوندند.
- سرمایه بشری اندک و کارگران غیر ماهر: از جمله ۲۰۰ هزار فارغین تدریسات ثانوی در هر سال، کمتر از نصف آنها به تحصیلات عالی و تعلیمات حرفوی و مسلکی راه می یابند اما فازغین باقیمانده منحیث کارگران غیرمسلکی شامل بازار کار میگرددند.
- تداوم خشونت و نا امنی تاثیر منفی بر دسترسی به خدمات اساسی و انکشاف بشری میگذارد.

مشخصات نفوس افغانستان



شاخص های بازار کار

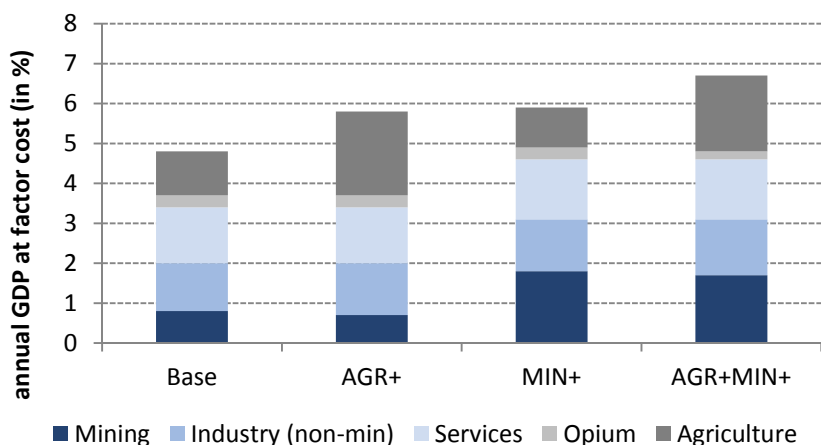
میزان اشتراک	دهات	شهر ها	به سطح ملی
میزان اشتراک	۷۱٫۶	۴۸٫۸۴	۶۶٫۵۳
میزان بیکاری	۷٫۳۵	۱۰٫۴۷	۷٫۸۵
میزان اشتغال ناقص یا کم کاری	۵۳٫۰۶	۲۱٫۵۱	۴۸٫۱۶

تأیید سیاست رشد اقتصادی افغانستان

- بنابر چالشهای تذکر یافته، ستراتیژی رشد اقتصادی افغانستان باید به اهداف ذیل اولویت دهد:
 - کاهش فقر و ایجاد فرصت های کاری بیشتر،
 - بسیج نمودن عواید مالی برای دولت،
 - فراهم نمودن اسعار خارجی،
 - تأمین ثبات سیاسی و برابری اجتماعی.
- هدف اساسی باید دست یابی به رشد اقتصادی سریع، پایدار و همه جانبه باشد.
 - تمرکز بیشتر برای ازدیاد بخشیدن رشد اقتصادی از طریق استخدام نمودن افراد که در فعالیت های کم محصول مشغول اند و یا کسانی که کاملاً از روند رشد اقتصادی باز مانده اند.
- رشد اقتصادی افغانستان در آینده وابسته به سکتور زراعت و منابع استخراجی (معادن و نفت) میباشد.
 - سویه تعلیمی در افغانستان نهایت پایین بوده و سکتور تولیدات صنعتی انکشاف یافته نیست (هم از نظر ظرفیت و حجم) تا توانسته باشد اقتصاد افغانستان را بسوی تغییر ساختاری سوق دهد که نظر به آن یک اقتصاد وابسته بر منابع طبیعی به یک اقتصاد متنوع و تولید کننده که وابسته به سکتور صنعت و خدمات باشد مبدل میگردد.
 - این امر دلالت بر آن دارد که باید تمرکز بیشتر روی انکشاف دهات و تجمع اقتصادی در اطراف مناطق معادن صورت گیرد.
- توقع میرود که مسکن گزینی در شهرها افزایش یابد، و بنابراین تعادل نظر بین انکشاف شهری و انکشاف روستاها مد نظر گرفته شود.

تاچه اندازه رشد اقتصادی با سرمایه گذاری بیشتر در سکتور زراعت و منابع استخراجی بالا برده میشود؟

سناریو های مختلف رشد اقتصادی: تفکیک رشد اقتصادی سالانه نظر به سکتورهای تولیدی، حد اوسط رشد طی سالهای ۲۰۱۲ - ۲۰۲۵



منبع: بانک جهانی (۲۰۱۲)
یادداشت: ارقام حد اوسط رشد سالانه را نشان میدهند.

- کاهش در کمکهای خارجی رشد اقتصادی را به ۴,۸ درصد بطور اوسط الی سال ۲۰۲۵ کاهش میدهد
- منابع استخراجی (معادن و نفت) فرصت های خوب را برای رشد اقتصادی فراهم میکند: با سرمایه گذاری بیشتر در سکتور معادن، میزان رشد اقتصادی ممکن به ۶,۹ فیصد الی سال ۲۰۲۵ افزایش یابد و عواید مالی نیز به ۲ الی ۴ درصد تولید ناخالص داخلی در اوایل دهه ۲۰۲۰ ازدیاد خواهد یافت
- تولید و مولدیت بیشتر در سکتور زراعت ممکن رشد اقتصادی را به ۵,۸ درصد افزایش دهد (در حالیکه در سناریوی معمولی، رشد اقتصادی ۴,۸ درصد پیش بینی شده است)
- انکشافات خوشبینانه در هر دو سکتور رشد اقتصادی را به ۶,۷ درصد یا بیشتر از آن بالا می برد، و در نهایت نقش کمکهای خارجی را در اقتصاد افغانستان تعویض خواهد نمود.
- و اما رشد اقتصادی خودکارانه بوجود نمی آید و بر بهبود وضعیت امنیتی وابسته است. پس کارهایی زیادی باید صورت گیرد...

ظرفیت خوب برای انکشاف سکتور زراعت و معادن وجود دارد

منابع استخراجی	زراعت	
<ul style="list-style-type: none"> ▪ از دیداد بخشیدن درآمد دولت: درآمد دولت از بابت فعالیتهای معدنکاری بین ۷۰۰ میلیون تا ۱,۵ میلیارد دالر الی سالهای ۲۰۲۲-۲۴ خواهد رسید ▪ درآمد مالی از سکتور معادن قسماً جایگزین کمکهای خارجی گردیده و از تاثیر ناگوار کاهش کمکها بر بیلانس تادیات می کاهد: سرمایه گذاری های مستقیم خارجی ممکن به ۱۰ الی ۲۰ میلیارد دالر و صادرات ممکن ۱۰ الی ۱۲ میلیارد دالر سالانه برسد. ▪ انکشاف سکتور معادن باعث بوجود آمدن سکتور صنایع اولیه و سکتور پروسس مواد معدنی و نفتی میگردد ▪ سبب انتقال تکنالوژی میگردد، مهارت ها و دانش فنی را در کشور می آورد، و فرصت های کاری را نیز ایجاد مینماید 	<ul style="list-style-type: none"> ▪ زدایش فقر: فقر در دهات و روستاها ۸۴ درصد فقر را در سطح ملی تشکیل میدهد. ▪ افزایش عواید خانوار: ۴۲ فیصد افغانها متکی به سکتور زراعت بخاطر معیشت خویش میباشند. ▪ نیرو کاری بیشتر در مناطق روستایی وجود دارد ▪ انکشاف روستاها میتواند سبب کاهش فشار مهاجرت ها از دهات به شهر شود. ▪ مصئونیت غدایی را بهبود می بخشد. 	<p style="text-align: center;">فرصت ها</p>
<ul style="list-style-type: none"> ▪ سرمایه گذاری در زیربناها صورت گیرد تا هزینه ترانسپورتهای و عملیاتی شرکتهای معادن کاهش یابد ▪ شرایط حقوقی و مقرراتی بهبود بخشیده شود تا مصئونیت مالکیت بمیان آید و در مورد جوازدهی، داوطلبی و مسئولیت های معدنکاری روشنی بیشتر انداخته شود ▪ از اقدامات لازم جهت جذب کارگران داخلی در سکتور معادن حمایت صورت گیرد (اقدامات از لحاظ عرضه و تقاضای کار) ▪ از اقدامات بخاطر تسهیل فراهم آوری خدمات و اجناس توسط سکتور خصوصی داخلی برای صنایع استخراجی حمایت گردد (تدارکات داخلی و ارتباط بازارها) 	<ul style="list-style-type: none"> ▪ افزایش سرمایه گذاری در زیربناها (راه های مواصلاتی و سیستم آبیاری) ▪ توسعه خدمات ترویج زراعتی و نوآوری های آزمایشی ▪ بهبود دسترسی به انرژی برق جهت حمایت از سکتور پروسس محصولات زراعتی ▪ انکشاف بخشیدن بازار های اعتبارات و ضمانت های مالی (قرضه، بیمه...) ▪ تحکیم چارچوب قانونی و مقرراتی برای دسترسی به زمین نظارت از کیفیت محصولات و تصدیق های کیفیتی 	<p style="text-align: center;">گزینه ها برای از دیداد تولیدات و مولدیت</p>

سه شیوه برای بالا بردن اشتغال زایی در سکتور زراعت

۵۰ فیصد دهاقین در فعالیت های زراعتی معیشتی مشغول می باشند و هیچ گونه دسترسی به بازار ندارند. بالا بردن مولدیت در زمین های زراعتی سبب افزایش عواید خانواده های که در سکتور زراعت مشغول اند می شود - اما لازمی نیست که فرصت های کاری بیشتر را بمیان می آورد. با این حال، **میتوان اشتغال زایی را در سکتور زراعت با سه شیوه بالا برد:**

1. توسعه بخشیدن زمین های زراعتی

قسمتی از ۴,۵ میلیون هکتار زمین للمی، با در نظر داشت فاصله به منابع آب، به زمین آبی مبدل شده میتواند. طور مثال، مولدیت گندم در زمین آبی سه برابر بیشتر در مقایسه با زمین للمی است.

2. تمرکز روی محصولاتیکه به نیروی کار بیشتر نیاز دارند

زرع نمودن آن نوع محصولات زراعتی که دارای ارزش بلندتر اند، مانند میوه جات و پنبه، در ساحات قابل آبیاری نیازمندی نیروی کار را سه چند نسبت به کشت گندم بالا می برد.

3. انکشاف سکتور پروسس محصولات زراعتی و توسعه زیربناهای لازم

- فعالیتهای پروسس محصولات زراعتی معمولاً به نیروی کار بیشتر نیاز دارد
- اکثریت فعالیتهای پروسس محصولات زراعتی در مناطق روستایی صورت گرفته میتواند زیرا مواد اولیه در آن مناطق قابل دسترس اند
- انکشاف سکتور پروسس محصولات زراعتی باعث ایجاد زمینه کار بیشتر میگردد
- بهبود بخشیدن دسترسی به انرژی برق و توسعه سرکها و سایر زیربنا ها برای انکشاف صنایع پروسس زراعتی نهایت ضروری می باشد

نیازمندی نیروی کار برای محصولات مختلف زراعتی

حاصلات	روز/هکتار	بهار	تابستان	خزان	زمستان
گندم	60	XX	X	X	
محصولات درختی (میوه جات)	150-200	X	XXX	XX	X
پنبه	100-120	X	XX		

بلند بردن تأثیر بالقوه معادن بر رشد اقتصادی و اشتغالزایی: برنامه « دهلیز منابع طبیعی »

انکشاف سکتور صنایع استخراجی، به تنهایی خود، نمی تواند اقتصاد کشور را متحول سازد

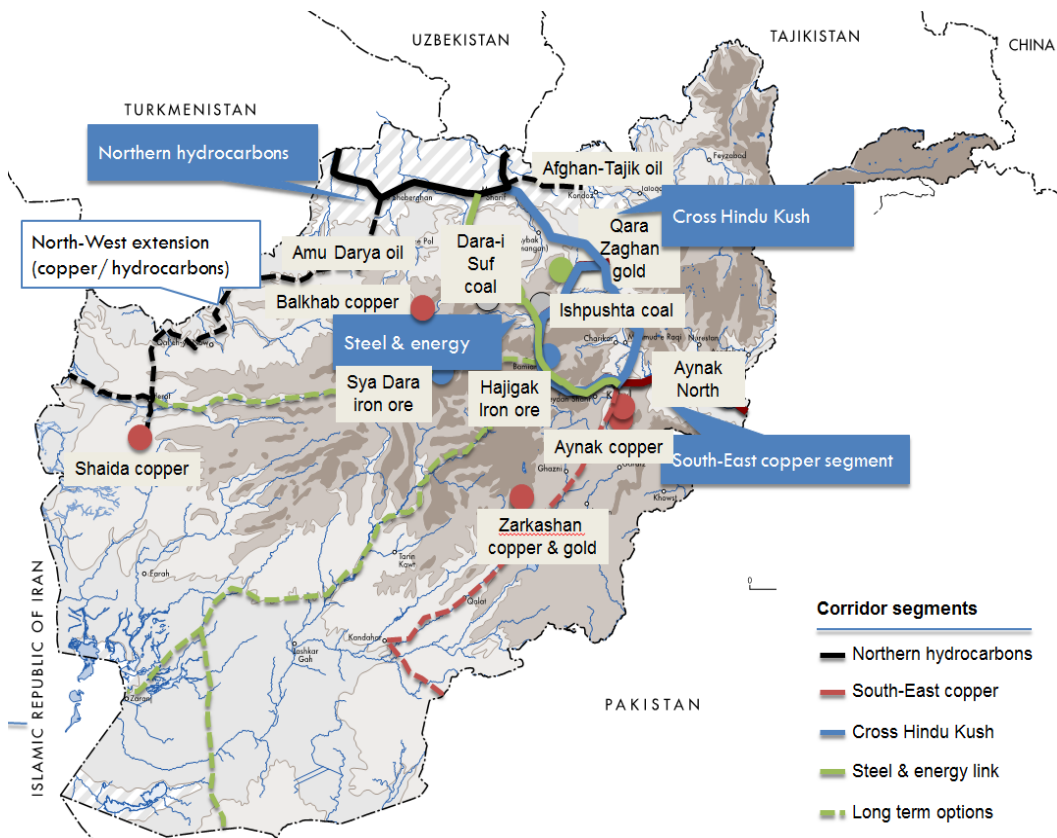
- منابع استخراجی باعث بلند بردن درآمد دولت و بدست آوردن اسعار خارجی میگردد اما این عواید نمیتواند کاملاً جاگزین کمکهای خارجی گردد
- ظرفیت ایجاد فرصت های مستقیم کاری (۱۵۰۰۰ - ۲۰۰۰۰) توسط سکتور معادن نسبتاً کم است و قسمت اعظم این کار ها نیمه تخصصی و یا کاملاً تخصصی میباشد

دهلیز منابع طبیعی: بلند بردن تأثیر سکتور صنایع استخراجی

- همکاری بین سکتور دولتی و خصوصی بمنظور اولویت بندی سرمایه گذاری ها
- اولویت بندی و متحد نمودن سرمایه گذاری های « نرم » (قوانین و مقررات) و « سخت » (زیربناها) جهت ازدیاد بخشیدن منافع سکتور معادن بر اقتصاد کشور

اولویت بندی سرمایه گذاری در زیربنا ها: موضوع حیاتی در مرحله انتقال

- سرمایه گذاری در زیربنا ها باید از لحاظ مالی و اقتصادی امکان پذیر باشند (سکتور استخراجی میتواند باعث اولویت بندی سرمایه گذاری ها گردد)
- پروژه های زیربنایی طوری طرح گردند که نظر به مقتضیات روز تغییر پذیر باشند (مثلاً ساخت لین انتقالی برق با ظرفیت ۲۲۰ کیلو ولت که بتواند به ظرفیت ۵۰۰ کیلو ولت در آینده ها ارتقا بخشیده شود)
- مطلع بودن از برنامه های زیربنایی سرمایه گذاران خصوصی جهت (الف) دانستن گنجایش سرمایه گذاری های دولتی که به تقویت سرمایه گذاری های خصوصی تمام گردد، و (ب) اجتناب از تمویل دولتی سرمایه گذاری ها در حالیکه توسط سکتور خصوصی صورت گرفته میتواند



آب و زمین:

در محور توسعه اقتصادی



- دسترسی به و استفاده مؤثر از زمین برای توسعه اقتصادی افغانستان حیاتی میباشند

- افزایش روز افزون تقاضای زمین برای مقاصد همچون: انکشاف زراعتی، پروژه های تجارتي، زیربنا های عامه و انکشاف سکتور معادن

- اصلاحات که در اولویت قرار دارند: تقویت ظرفیت نهادی اداره اراضی افغانستان، وسعت بخشیدن سروی کادستر و نقشه برداری ساحات مهم برای زراعت و معدنکاری، بهبود چهارچوب حقوقی و مقرراتی برای مدیریت و استملاک زمین

- افزایش روز افزون نیازمندی به آب بدلیل رشد نفوس، انکشاف شهری، تغییر جوی، و توسعه زراعت و معادن.

- منابع آب محدود استند

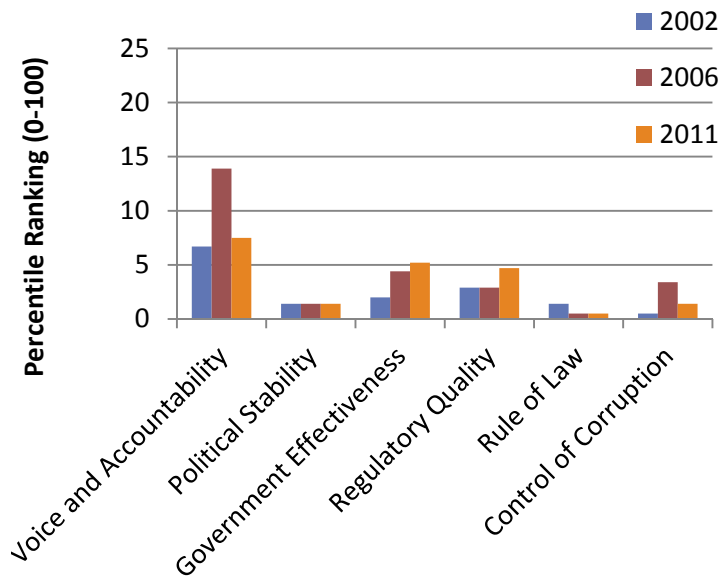
- روش های توسعه محلی منابع آب به آخرین حد ظرفیت خویش رسیده اند. آخرین پروژه بزرگ انکشاف منابع آبی به سالهای ۱۹۵۰ برمیگردد.

- انکشاف و بازسازی زیربنا های آبی برای توسعه اقتصادی افغانستان نهایت ضروری پنداشته میشود.

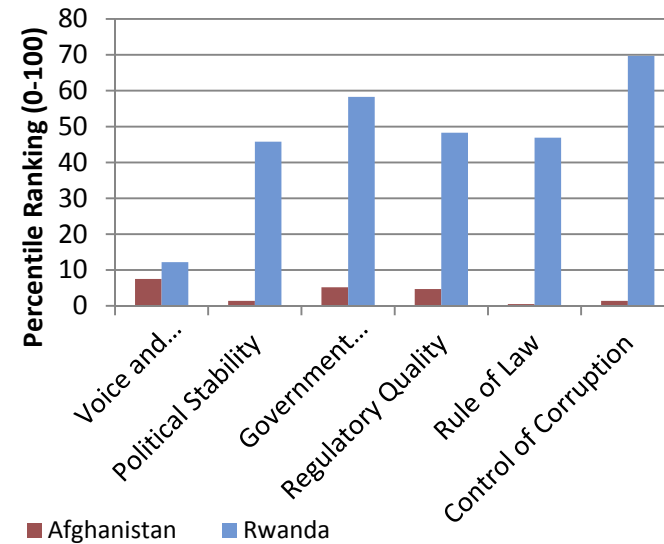
ایجاد نهادهای موثر و قوی برای تمامی این انکشافات مهم است

- پیشرفت افغانستان در راستای ایجاد نهادهای حکومتداری بطی بوده است. نگرانی بیشتر این است که دستاوردهای گذشته نیز پایدار باقی نمانده اند. کیفیت نهادهای همچون حسابدگی، تنفیذ قانون و مبارزه با فساد اداری بین سالهای ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۱ پائین آمده است.
- بهبود بخشیدن حکومتداری یک اصل حیاتی برای پیشرفت آینده کشور و جلب سرمایه گذاری ها و کمکهای خارجی می باشد.

پیشرفت نهادسازی در افغانستان



افغانستان نسبت به سایر کشور های بعداز جنگ نهایت عقب مانده است



خلاصه پیامها

- روند انتقال تاثیرات خویش را روی کارکرد اقتصادی و مالی رونما نموده است.
- پایدار نگهداشتن رشد بلند اقتصادی یگانه چالش برای افغانستان نیست.
بلکه به خشونت و نا امنی، موجودیت فقر، فشارهای روبه افزون بازار کار، و افزایش کسر بودجه نیز رسیده گی صورت گیرد.
- امنیت و کمکهای خارجی مهمترین اصل برای پیشرفت انکشافی افغانستان باقی می مانند.
تعهدات جامعه جهانی برای ثبات اقتصادی و سیاسی افغانستان ضروری پنداشته میشوند.
- رشد اقتصادی افغانستان در آینده روی سکتورهای زراعت و معادن استوار است.
اما لازم است تا تلاش بیشتر برای بلند بردن تاثیر بالقوه این دو سکتور بر رشد اقتصادی بخرج داده شود.
- در عین حال، ضروری است تا برنامه های مصنوعیت اجتماعی، و خدمات صحی و تعلیمی تقویت و بهبود بخشیده شوند تا برابری اجتماعی گسترش یابد.
- زمین و آب در محراق توسعه اقتصادی افغانستان قرار دارند. اکنون زمان آنست تا اصلاحات همه جانبه برای از بین بردن موانع در راستای دسترسی به زمین و آب رویدست گرفته شود.
- نهاد های حکومتداری برای ثبات سیاسی، صلح و رشد اقتصادی با اهمیت اند.
پیشرفت افغانستان در عرصه اصلاحات حکومتداری بطی و نا متوازن بوده است.